



دکتر محمود روح الامینی

ارزش تاریخی و اجتماعی نامه‌های خصوصی

واژه «نامه» در زبان فارسی دارای معانی متعددی است، چون کتاب، فرمان، مجموعه، مجله، روزنامه و بالاخره نوشته و «رقعه» ای که شخص برای مخاطبی معین می‌نگارد. در این معنای اخیر است که تحت عنوان «نامه‌های خصوصی» موضوع سخن ما در این مقوله می‌باشد.

نامه‌های خصوصی و نیز اسناد و نامه‌های دیگر شخصی و خانوادگی چون وصیت‌نامه، تقسیم نامه، قبالة خرید و فروش، عقدنامه ازدواج، صورت خرج جشن، عزاداری و... برای مورخان و جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان منبعی ارزنده است که می‌تواند، مستقیم یا غیر مستقیم، انگیزه‌ها، عوامل و اعتبار رویدادهای تاریخی و اجتماعی و فرهنگی را روشن‌تر سازد.

نامه‌های خصوصی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- نامه‌هایی که به‌خاطر داشتن مضمون و محتوای اجتماعی و اخلاقی یا کاربرد صنایع و بدایع ادبی و هنری، نویسنده آن بخوبی می‌داند که مخاطبش تنها یک نفر نیست، به‌عبارت دیگر مخاطب قراردادن شخصی معین بهانه یا وسیله‌ای برای اشاعه بیشتر، مؤثرتر و عام‌تر است، که از آن جمله می‌توان از نامه تنسر^۱، نامه عنصرالمعالی کیکاوس

۱- معانی و مفاهیم و کاربرد های مختلف واژه «نامه» را در لغت‌نامه دهخدا بیابید. ۲- نامه تنسر تصحیح و تحشیه مجتبی مینوی، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۴، تنسر دانشمندی از ملوک‌رادگان و نزدیکان اردشیر بابکان بود، این نامه در پاسخ به‌هفته پرسشی است که گشنسب، شاه طبرستان و دیلمان و رویان از تنسر نموده. هرچند نامه گشنسب در دست نیست، ولی پرسش‌های او را می‌توان در نامه تنسر یافت. این نامه بوسیله ابن مقفع از پهلوی به‌عربی ترجمه و در اوائل قرن هفتم هجری قمری بوسیله بهاء‌الدین محمد بن حسن بن اسفندیار به‌فارسی برگردانیده شده. تنسر در مقدمه نامه خود - که حدود پنجاه صفحه است - چنین آورده: «فرمودی در نبشته، مرا که تنسر پیش پدر تو منزلت و عظمی بود و طاعت من داشتی در مصالح امور. او از دنیا رحلت کرد و از من نزدیکتر بدو، به‌فرزندان او هیچ‌کس نگذاشت. بدستی که جاوید باد روح او و باقی ذکر او. از تعظیم و احترام و اجلال و اکرام در حق من زیادت از حق من فرمودی (...). اما چون بدین‌جا رسیدی که از من رای می‌طلبی و به‌استشارت مشرف گردانیدی، بدانند که...»

به‌پسرش گیلان‌شاه معروف به قابوسنامه،^۲ نامه کندی به‌المعتصم بالله،^۳ منشآت قائم مقام فراهانی،^۵ نامه‌های شیخ محمد حسن سیرجانی معروف به پیغمبر دزدان،^۶ نامه‌های نشاط^۷ نام برد. به‌علاوه گاهی نویسندگان و داستان‌سرایان برای آنکه سیر داستانی کتابشان طبیعی و واقعی جلوه نماید، نامه‌هایی را از زبان قهرمان داستان خود عرضه می‌دارند. بعنوان نمونه باید به «نامه‌های ایرانی»^۸، «بابا لنگ دراز»^۹ و نیز نامه‌های فراوانی که فردوسی در بیان داستانها آورده است، اشاره نمود.

۲- نامه‌هایی که پادشاهان و فرمانروایان و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی به‌شخص معینی می‌نویسند و منظورشان اظهار نظر قطعی، مخالفت یا موافقت با يك مسأله اجتماعی و یا اندرز و رهنمودی است، که به‌واسطه اعتبار نویسنده و اهمیت موضوع، به‌زودی نشر

۳- قابوسنامه، تألیف امیر عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار، با مقدمه و تصحیح سعید نفیسی، انتشارات فروغی. صاحب قابوسنامه در مقدمه نامه خود - که کتابی است برای همگان - به‌فرزندش می‌نویسد: «ای پسر چون من نام خویش در دایره گذشتگان دیدم، مصلحت چنان دیدم که پیش از آنکه نامه عزل به‌من رسد، نامه‌ای اندر نکوهش روزگار و سازش‌کار، پیش از بهره از نیک نامی یاد کنم و ترا از آن بهره‌مند کنم (...). در هر بابی سخنی چند جمع کردم و آنچه شایسته و مختصرتر بود، اندر این نامه نوشتم... مبادا که دل تو از کاربندی این کتاب باز ماند.

۴- این نامه رساله‌ایست در بیان ماهیت فلسفه اولی و مباحث آن. بعضی از قسمتهای آن به‌صورت نامه‌های خلاصه‌ایست که جداگانه آمده، از جمله نامه یعقوب بن اسحق کندی به علی بن جهم در یگانگی خدا و متناهی بودن جرم عالم، دیگر نامه کندی به‌احمد بن محمد خراسانی در بیان متناهی بودن جرم عالم. نامه کندی به‌المعتصم بالله چنین آغاز می‌شود: «خدای عمر تو را دراز کند، ای پسر والاترین بزرگان گردآورندگان خوشبختی‌ها، کسانی که هر کس به‌راهنمایی ایشان مستمسک شود، در دنیا و آخرت خوشبخت است. برترین صناعت‌های انسانی از حیث منزلت و والاترین آنها از حیث مرتبت صناعت فلسفه است که حد آن علم به‌حقایق اشیاء به‌اندازه توانائی آدمی است...» نامه کندی به‌المعتصم بالله. با مقدمه دکتر احمد فوادالاهوانی، ترجمه احمد آرام، انتشارات سروش، ۱۳۶۵ صفحات ۲۴ و ۶۳.

۵- منشآت قائم‌مقام، با مقدمه و تصحیح محمد عباسی، انتشارات شرق ۱۳۵۶.

۶- پیغمبر دزدان، با مقدمه و توضیحات دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات راه نو، چاپ هشتم ۱۳۶۳. این نامه‌ها، پیش از آنکه به‌دست مخاطب برسد، بوسیله علاقه‌مندان و صاحبان ذوق رونویسی و ازبر می‌شد.

۷- میرزا عبدالوهاب، معتمدالدوله نشاط، ادیب و شاعر و خوش نویس زمان فتحعلیشاه قاجار. نامه‌های نشاط، از نظر انشاء و از نظر خط، سرمشق قرار می‌گرفت. نگاه کنید به‌کتاب خط و خطاطان، از ابوالقاسم رفیعی، چاپ سیمرغ ۱۳۴۵، صفحه ۱۶۱ و ۱۶۲.

۸- نامه‌های ایرانی، موتسکیو، ترجمه حسن ارسنجانی انتشارات مروج ۱۳۲۵، موتسکیو کتاب «نامه‌های ایرانی» را در سال ۱۷۲۱ نوشت. این کتاب که انتقاد سیاسی و اجتماعی از اوضاع فرانسه است بصورت نامه‌هایی است از زبان یک نفر اصفهانی که از پاریس به‌دوست خود در اصفهان می‌نویسد.

۹- بابا لنگ‌دراز، نوشته خانم جین‌وستر، ترجمه داریوش شاهین، نشر زرین. داستان کتاب به‌صورت نامه‌هایی است که دختری از پرورش‌گاه به‌نیکمردی می‌نویسد که فقط پاهای دراز او را از کنار پله‌ها دیده است.

می‌یابد. در تاریخ بیهقی، تاریخ یمینی، تاریخ طبری و در «مکاتبات» دوره‌های سلجوقی، خوارزمشاهی، تیموری، صفوی و قاجاریه نمونه‌های فراوانی از این گونه نامه‌ها دیده می‌شود. ۱۰ با پیشرفت صنعت چاپ و انتشار روزنامه و دیگر رسانه‌های همگانی، گاهی مضمون نامه همزمان به دست مخاطب و عامه مردم می‌رسد. و امروز شاهد نامه‌هایی از این گونه، که در لحظه‌ها و موقعیتهای حساس به شخصی معین نوشته می‌شود، و منظور آگاهی عموم است، هستیم. «نامه‌های سرگشاده» را نیز بایستی از این زمره دانست.

۳- نامه‌های خصوصی و دوستانه، یعنی نامه‌هایی که اشخاص به دوستان و آشنایان و خویشاوندان خود می‌نویسند تا آنها را در جریان خبری قرار دهند، یا انجام کاری را از آنها درخواست کنند و یا محرم رازی یافته‌اند که با او درباره مشکلات زندگی، قدر ناشناسی زمانه و اهل زمانه، کهولت سن و ضعف دوران پیری و... درد دل کنند. و نظرشان این نیست که نامه و نوشته آنها منتشر می‌شود و گاه در نامه تصریح می‌کنند که مطالب نامه خصوصی باقی بماند. ۱۱

نامه‌های خصوصی را از چند نظر می‌توان مورد مطالعه قرار داد:

الف: به منظور شناخت شخصیتها

ب: به منظور شناخت سیر رویداد های سیاسی و تاریخی

ج: به منظور شناخت سیر تحولات و تغییرات سنتی و فرهنگی (مادی و غیر مادی)

د: به منظور شناخت خصوصیات روانی افراد (شخصیت‌ها)

اینک می‌کوشیم هر یک از زمینه‌ها را با ذکر نمونه، مورد بحث قرار دهیم:

الف - شناخت شخصیت‌ها: مدارک رسمی، بیوگرافیا و اتوبیوگرافیا نمی‌تواند نظرات و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شخصیت‌های نسل (یا نسل‌های) گذشته را، آنطور که باید و شاید، روشن سازد. چه‌بسا انگیزه اظهار نظر و علت مخالفت یا موافقت شخصیتها را، در پاره‌ای امور، بایستی در نامه‌ها و یادداشت‌های خصوصی آنان جستجو کرد و تصویر شخصیتها را با مطالعه نامه‌های خصوصیشان دقیق‌تر می‌توان ترسیم نمود.

ذکر نمونه‌ها را از کهن‌ترین نامه خصوصی آغاز کنیم، به روایت هردوت کهن‌ترین

۱۰- «می‌توان از مکاتبات رشیدی، تألیف فضل‌الله رشیدی (قرن هشتم و نهم) فرائد غیانی (قرن هشتم) تحفه بهائی تألیف اسمعیل بن نظام‌الملک ابرقوثی (۷۴۶)، مکاتبات دیوانی خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید (۹۲۲) و مجموعه منشآت و مکاتبات، نامه‌ها و فرمانهای سلجوقی، خوارزمشاهی، تیموری و صفوی (خطی کتابخانه سلطنتی) نام برد.» از تقریرات دکتر غلام‌حسین صدیقی استاد دانشکده علوم اجتماعی.

۱۱- دهخدا در نامه‌ای به یکی از دوستانش می‌نویسد: «... تنها خواهشی که می‌کنم. در صورت رد یا قبول، این آخرین اثر وجود من که آبروی من است پیش کسی ریخته نشود و سر را از خودشان تجاوز ندهند.» و در نامه‌ای دیگر دهخدا به ابوالحسن معاضدالسلطنه (پیرنیا) می‌نویسد: «استدعا می‌کنم کاغذ مرا به احدی نشان ندهید.» نامه‌های سیاسی دهخدا، به کوشش ایرج افشار انتشارات روزبهان ۱۳۵۸ صفحه‌های ۱۲ و ۲۶.

نامه خصوصی که سراغ داریم نامه‌ایست که «هارپاک» به کورش نوشته و او را تشویق به جنگ با آستیاک شاه (جد مادری کورش) نمود، و برای اینکه نامه به آسانی از قلمرو ماد بگذرد و به پارس برسد، هارپاک آنرا در شکم خرگوشی پنهان کرد و نامه رسانی امین در لباس شکارچی توانست آنرا به کورش برساند - کهن‌ترین شیوه نامه پنهانی فرستادن! - این نامه که هم شناخت شخصیتها و هم سیر رویدادها را روشن‌تر می‌سازد چنین نقل شده:

«ای پسر کامبیز، خدا تو را حفظ می‌کند و الا تو اینقدر بلند نمی‌شدی. از آستیاک، قاتل خود، انتقام بکش. او مرگ تو را می‌خواست اگر تو زنده‌ای از خدا و بعد از او از من است. گمان می‌کنم که از قضیه مطلعی و نیز از اینکه با تو چه نوع رفتار کردند و چگونه من مجازات شدم، از اینکه نخواستم تو را بکشم و تو را به چوپانی سپردم. ۱۲ اگر به من اعتماد کنی، شاه تمام ممالکی خواهی بود که آستیاک بر آن حکمرانی می‌کند. پارسیها را به قیام و ادب و به جنگ مادیها بیاور. اگر آستیاک مرا سردار قشون کند کار بد نخواهد تو انجام خواهد یافت و هرگاه دیگری را از مادیها به این کار بگمارد، تفاوت نخواهد کرد. چه نصیای ماد از همه زودتر از او بر خواهند گشت و با تو او را از تخت به‌زیر خواهند کشید.

چون در اینجا تمام تهیه‌ها دیده شده، اقدام کن. زودتر، هر چه زودتر». ۱۳

نامه شاپور دوم به کنستانس ۱۴ پادشاه روم (در سال ۳۵۶ میلادی)، گویاست که شاپور حیل و فریب در جنگ را، حتی اگر پیروزی به دنبال داشته باشد ناپسند می‌داند: «... ما هرگز این عقیده را قبول نخواهیم کرد که گستاخانه گفته‌اید هر پیشرفتی در جنگ اعم از اینکه نتیجه شجاعت و دلآوری یا معلول حیل و تدویر باشد، شایسته مدح و تحسین است.» ۱۵

نامه شاه اسماعیل به سلطان سلیم و روش مسالمت‌آمیز او که با دلیری و جرأت و همراه با ادب و افتادگی، سلطان عثمانی را بر حذر می‌دارد، برای تحلیل گران جنگ چالدران و شناخت موقعیت و تلاش شاه اسماعیل در پرهیز از مقابله با سلطان عثمانی، سندی ارزنده است. وی در نامه مفصل خود یادآور می‌شود که:

...مبدأ و منشاء عداوت شما را ندانستم و باعث گدورت معلوم نگشته... و نمی‌خواستیم شورش چون عهد تیمور به آن سرزمین طاری شود و هنوز نمی‌خواستیم، و به این قدرها نمی‌رنجیم، و چرا برنجیم. و بالاخره «... فکری بر اصل کرده و به سخن هر کس مقید نشده، اندیشه بر اصل نمائید که پشیمانی اخیر

۱۲- شرح ماجری را در کتاب تاریخ ایران باستان، تألیف حسن پیرنیا (مشیرالدوله) جلد دوم «کورش» انتشارات ابن سینا ۱۳۴۴ چاپ چهارم صفحه ۲۳۵ به بعد بخوانید.

۱۳- تاریخ هردوت ترجمه ع. وحید مازندرانی. چاپ فرهنگستان ادب و هنر ایران (بدون تاریخ) صفحه ۷۵.

مفید نمی‌شود... و ما از سر دوستی جواب فرستادیم.»^{۱۶}
 زنده یاد احمد کسروی در تحلیل و تنظیم تاریخ مشروطه در بیان نقش شخصیتها و روند مراحل انقلاب مشروطیت ایران به‌نام‌های فراوانی استناد نموده، از جمله درباره سید محمد طباطبائی می‌نویسد: «ناصرالملک نامه‌ای به‌طباطبائی نوشت که باید آنرا در اینجا بیاورم. بزرگی طباطبائی و بینائی او در کار از اینجا پیداست که فریب چنین نامه را نخورده و سستی به‌خود راه نداده.» و نامه را که مفصل است نقل نموده.^{۱۷}
 سختی‌ها و گرفتاریهای زندگی معیشتی صادق هدایت را، در سالهای تحصیل او در فرانسه، می‌توان از نامه‌ای که در ۲۶ فوریه ۱۹۲۹ (۱۳۵۸ شمسی) از رنس ۱۸ به‌یکي از دوستانش در پاریس نوشته، دریافت:

«... روزها را هم پالتو بارانی به‌دوش گرفته، مثل مرغ شیشک زده، از این اطاق به آن اطاق می‌چیم. آن‌هم هیچ نتیجه ندارد. اوضاع پول، یک دینار ندارم. مقدار زیادی مقروض شده‌ام. هنوز آدرس جدیدم به‌تهران نرسیده، برای فرستادن این کاغذ باید قرض بکنم، راستی یک قبض ۲۴۵ فرانکی که پول کرایه خانه را داده بودم، دادم به آقای... و بنا شد جواب بدهد یعنی پول را بیردازد از قرار معلوم بالا کشیده است، خوبست اگر رفتی به‌سفارت در این موضوع گفتگو بکنی که برای یک‌شاهی هزارتا انگ می‌اندازم، آخر عمری عجب مکافات طی می‌کنیم. امروز ۵۵ فرانک هفتگی را دادند، من سه برابر آن قرض دارم آن‌هم از شاگردان ناشناس...»^{۱۹}

ب - شناخت سیر رویدادهای تاریخی و سیاسی: می‌دانیم که هیچ رویداد و پدیده تاریخی و اجتماعی، نه ناگهان به‌وجود می‌آید و نه به‌وجود آمدنش به‌یک یا چند علت و عامل شناخته شده و ظاهری محدود می‌گردد، بلکه در هر پدیده اجتماعی بسیاری از علل و عوامل مؤثر (سیاسی، اعتقادی، اقتصادی، فردی)، خواه و ناخواه به‌دست فراموشی سپرده می‌شود، یا اصلاً ظاهر نمی‌شود. کتابها، وقایع‌نگاری‌ها و روزنامه‌ها و گوناگونی روشن‌کننده همه عوامل و انگیزه‌های تاریخی و اجتماعی نیست. رویدادهای تاریخی که علت و انگیزه واقعی آنها روشن نیست فراوان است.

نامه‌ها و دفترهای خاطرات خصوصی، در شناخت سیر رویدادها و ارزیابی عوامل بازدارنده یا شتاب‌دهنده، منبعی غنی و مطمئن برای پژوهشگران به‌شمار می‌آید. کسروی در نقل یکی از نامه‌ها اشاره می‌نماید که: «نامه‌ای از سید [سید جمال‌الدین اسدآبادی]

۱۶- اسناد و نامه‌های تاریخی و اجتماعی دوره صفویه تألیف دکتر ذ. ثابتیان، انتشارات ابن‌سینا ۱۳۴۳ صفحه ۱۱۶ و ۱۱۷.

۱۷- تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم ۱۳۵۷ جلد اول صفحه ۹۱.

۱۸- Reims یکی از شهرهای فرانسه (رمن نوشته ورنس خواننده می‌شود).

۱۹- یادبودنامه صادق هدایت، بمناسبت شصین سال درگذشت او. انتشارات امیرکبیر ۱۳۳۶

به‌فارسی در دست است که می‌گویند هنگام بست‌نشینی در عبدالعظیم به‌ناصرالدین‌شاه نوشته و چون آن نامه انگیزه آمدن سید را به‌ایران اندکی روشن می‌گرداند، با همه درازیش در اینجا می‌آوریم.^{۲۰}

در تاریخ مطبوعات ایران، برای نشان دادن اهمیت انتشار مجدد روزنامه صوراسرافیل و علاقه مردم به انتشار آن روزنامه، کافی است به نامه‌ای که دهخدا به ابوالحسن معاضد السلطنه (پیرنیا) در ۱۲۹۷ شمسی از پاریس به لندن نوشته مراجعه کنیم: «... روزنامه صوراسرافیل هنوز نوشته نشده، تقریباً هزار مشتری پیدا کرده، حتی از بخارا هم نوشته‌اند و روزنامه خواستند... از جمله کاغذی از تبریز رسیده که یکصد نمره به‌رسم علی‌الحساب با اولین پست، روزنامه می‌خواهند.»^{۲۱}

لوسین شیلر^{۲۲} در مقدمه‌ای که بر کتاب «نامه‌های تیرباران شده‌ها» نوشته یادآور می‌شود که: «...فرانسویان شکنجه‌هایی را که «گشتاپو» و «هیلسین‌ها» و «گروه ویژه» به‌وطن پرستان و مبارزان می‌دادند، خیلی به‌سردی و دیر قبول کردند. در این نامه‌ها، یکبار دیگر، دیده می‌شود که جنایات آلمانها از طرف بعضی عناصر پلیس فرانسوی تسهیل و تهیه می‌شد، و نیز دیده می‌شود که افسران تیپهای مخصوص که از طرف حکومت ویشی^{۲۳} تشکیل یافت چه سعی در این فشارها و تصنیفات داشته‌اند. بعضی از این نامه‌ها که در اینجا جمع‌آوری شده‌اند، اسناد تاریخی گرانبهائی است که از دست اول به‌دست آمده است. این نوشته‌ها نشان می‌دهد که این دژخیمان که بودند و اعمال و حسیات آنها چگونه بود.»^{۲۴}

از نامه‌ای خصوصی که قوام‌السلطنه به‌مستشارالدوله (وزیر داخله کابینه اعلام‌السلطنه که در رجب ۱۳۳۵ قمری تشکیل گردید) برمی‌آید که وی پیشنهاد والیگری آذربایجان را به‌قوام‌السلطنه نموده و قوام قبول آن سمت را در آن‌هنگام موکول به‌چند شرط دانسته، اگر این نامه خصوصی را مستشارالدوله نگاه‌داری نکرده بود و فرزند او آن را به‌مجله آینده که سهم ارزنده‌ای در چاپ نامه‌های خصوصی به‌عهده دارد، نداده بود و نشر نشده بود^{۲۵} بی‌گمان شرایط و موقعیت راه اخبار و روزنامه‌های آن زمان به‌دست نمی‌داد. خلاصه‌ای از شرایط قوام‌السلطنه در نامه مورخه پنجشنبه ۹ ذی‌الحجه ۱۳۳۵ برای قبول والیگری آذربایجان:

«۱- هر يك از وزارتخانه‌های محترم، بنده را طرف توجه و اعتماد دانسته در

۲۰- تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم ۱۳۵۷ جلد اول

صفحه ۱۲.

۲۱- نامه‌های سیاسی دهخدا، به‌کوش ایرج افشار، انتشارات روزبهان، ۱۳۵۸ صفحه ۲۴.

22- Lucien Scheler.

۲۳- Vichy مقر حکومت ژنرال پتن در زمان اشغال فرانسه بوسیله قوای هیتلر از ۱۹۴۰

تا ۱۹۴۴.

۲۴- نامه‌های تیرباران شده‌ها، ترجمه محمود تفضلی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۵۷، مقدمه.

۲۵- مجله آینده، سال هشتم، فروردین ۱۳۶۱ شماره ۱ صفحه ۴۲ و ۴۵ تا ۴۷.

انتخاب مأمورین، تصویب و پیشنهاد بنده را در حسن ترتیب ادارات محلی شرط دانند.

۲- برای ادارات آذربایجان اشخاص ذیل در این مأموریت با بنده همراه باشند. آقای سردار معتمد، آقای مصدق السلطنه، آقای اقتدارالدوله، شاهزاده عمیدالدوله، آقای مؤتمن لشکر. آقای مکرم الدوله، آقای عمیدالسلطنه، آقای میرزا احمدخان مدعی العموم.

۳- بودجه ایالت آذربایجان را برای بنده بفرستند که مراجعه نموده حقوقی که برای مأمورین باید معین شود، پیشنهاد نماید.

۴- حقوق افراد قشون ساخلوی آذربایجان و تعداد آنها مورد توجه قرار گیرد، و بعقیده بنده با موقعیت امروز لااقل شش هزار نفر سوار و پیاده و توپخانه برای آذربایجان لازم است.

۵- دوست نفر قراق سوار و پیاده مقرر فرمایند با بنده اعزام شوند. پس از ورود به تبریز چنانچه محل حاجت نباشد معاودت به تهرات خواهند کرد.

ج- شناخت سیر تحولات و تغییرات سنتی و فرهنگی: با تغییر و تطور فکری و فنی و تولیدی، بمقتضای زمان و مکان، اندیشه‌ها، ارزشها، آداب و رسوم ابزارها، فنون اجتماعی و فرهنگی نیز، بنا بر خصوصیات فرهنگ و ضوابط فرهنگ پذیری،^{۲۶} تغییر می‌کند. در این تغییر و تطور، بسیاری از آنها به تدریج به دست فراموشی سپرده می‌شود. اعمال و رفتارهای متعارف روزانه، معمولاً، در نشریه‌ها و مدارک رسمی ثبت و ضبط نمی‌گردد. نامه‌ها و اسناد خصوصی و خانوادگی را باید منبعی ارزنده بر شناخت فرهنگ گذشته دانست.

تنها، اندرزه‌های عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر، به فرزند خویش است، که از آداب و رسوم مهمان‌نوازی گیلانیان، در قرن پنجم، ما را آگاه می‌سازد:

«... تومنشین، تا آنگاه که مهمانان بگویند، یک بار، دوبار، که: بنشین. آنگاه، با ایشان مساعدت کن و نان بخور و فروتر از همه کس بنشین... و ما را به گیلان رسمی نیکوست، چون مهمانان را به‌سخانه برند، خوان بنهند و کوزه‌های آب حاضر کنند و مهمان خداوند و متعلقان همه بروند، مگر یک تن از جای دور باز ایستد، از بهر کاسه نهادن، تا مهمان چنان که خواهد نان بخورد.»^{۲۷}

کمال‌الملک انگیزه و شرح تابلوئی را در یکی از یادداشت‌هایش برای دکتر غنی چنین می‌نویسد:

«... ناگاه بر خوردم به‌دونفر یهودی دوره گرد که مشغول خریدن لباس کهنه بودند. هیکل این دونفر یهودی جلب توجه بنده را کرد و پس از اندک دقت،

۲۶- زمینه فرهنگشناسی، تألیف محمود روح‌الامینی، انتشارات عطار، ۱۳۶۵، مبحث خصوصیات فرهنگ و مبحث فرهنگ پذیری.

۲۷- قابوسنامه، به‌کوشش سعید نفیسی، انتشارات فروغی، چاپ چهارم ۱۳۳۷، صفحه ۵۰.

با خود گفتم طبیعت مدل خوبی تهیه کرده و بهتر این است که پرده صورت این دو نفر را در حال معامله بسازم، لهذا با ایشان داخل مذاکره شده و هر دو نفر را به روزی پنج قران اجرت، دو ماهه اجیر کردم بر دم منزل و مشغول کار شدم. يك نفر دیگر هم برای طرف معامله با ایشان لازم بود، عمو صادق نام سرایدار قفس طیور سلطنتی - که هیکلی مناسب برای این کار داشت - منتخب و در مدت دو ماه این پرده تمام شده است.»^{۲۸}

باز هم دربارهٔ تابلوهای کمال‌الملک، نامهای است از ارباب کینخسرو شاهرخ به کمال‌الملک که نشان دهندهٔ توجه و ارجی است که مجلس شورای ملی به نقاش بزرگ ایران و به هنر نقاشی ابراز داشته:

«... با کمال شرمساری هدیهٔ ناچیزی که از طرف مجلس شورای ملی در مقابل آن احسان گرانبهائی هم قیمت جان، که نتیجهٔ بذل توجهات کمال آیات يك عمر عزیز چنان بزرگواری است و برای همیشه در مرکز قلوب ایران و ایرانیت فکر ارزش آنرا پرورش خواهد داد، تا به هنگام خود پاداش مدح و ثنائی واقعی را از زبان روزگار قیمت شناس ۲۹ به عرصه بیان آورد... و ادای بهای حقیقی را. به روزگار و اولاد و احفاد آینده، باز می‌گذارد.»^{۲۹}

ایرج افشار ضمن انتشار چند نامهٔ خصوصی از دکتر محمد مصدق می‌نویسد: «نامه‌هایی که از مرحوم مصدق در مورد آسیاب قرهٔ مبارک آباد بهشتی (واقع در جنوب غربی شهر ری) باقی مانده است، برای نمودن رویهٔ مصدق در ملک‌داری و طرز رفتار با شریک‌الملک و ادب مردم‌داری او به چاپ می‌رسد.»^{۳۰}

نامه‌ای که ملک‌الشعراى بهار در دیماه ۱۳۲۶ از آسایشگاه لزن (در سوئیس) به حکیم‌الملک نخست‌وزیر وقت نوشته، صرف‌نظر از جنبه‌های سیاسی و اشاراتی کنه به «بی‌رسمی‌ها» و «دولت بازی و کاپینه اندازی» دارد، دربارهٔ وضع مالی ملک‌الشعرا و مشکلات معالجهٔ بیماری سل در چهل سال پیش، سندی ارزنده است:

«... حال مخلص خوب نیست در لزن که کوهستانی است نزدیک لزان و چند سناتوریم دارد و محل علاج مسلولین است، بستری هشتم... اطبای اینجا می‌گویند باید دوائ تازه‌ای که استروپ تومیسین نام دارد، تازه اختراع شده و مجرب است، تزریق کنم و این دوا بسیار گران و گرمی سی، چهل فرانک قیمت دارد، و با ماهی هزار تومان که دولت ارز می‌دهد، آن هم ماه به‌ماه، و باید خرج سناتوریم شود، نمی‌توان از آن دوا استعمال کرد.»^{۳۱}

۲۸- نامه‌های کمال‌الملک به کوشش علی دهباشی، انتشارات بزرگمهر ۱۳۶۶ صفحه ۹۱.

۲۹- معمولاً همه روزگار را قدر ناشناس و قیمت ناشناس می‌دانند ولی در اینجا به قیمت شناسی متصف گردیده.

۳۰- همان منبع صفحه ۱۹۶.

۳۱- ناموارهٔ دکتر محمود افشار به کوشش ایرج افشار جلد سوم ۱۳۶۶ صفحه ۱۶۲۴.

۳۲- مجلهٔ آینده، سال دهم اردی‌بهشت و خرداد ۱۳۶۳ شمارهٔ ۲ و ۳ صفحه ۲۳۶.

بالاخره برای آگاهی از وضع کلاس اول دبستان در منطقه آذربایجان (سال ۱۳۴۰) این نامه خصوصی مدرک گویائی است:

«... از وضع کلاس بنویسم، طبق دستور اداره قرار است روزی نیم من نفت بهر کلاس داده شود، تا هم قبل از ظهرها و هم بعد از ظهرها در کلاس سوخته شود و گرما دهد. اما این جانب در عمل می بینم که این نفت به زحمت تکافوی مصرف قبل از ظهر کلاس را می دهد و در بعد از ظهر خودم و شاگردانم مجبوریم پالتو بپوشیم - که عده ای ندارند - و کلاه سرمان بگذاریم، از طرفی تازه شدن هوای کلاس از واجبه است. چون یک عده بچه قد و نیم قد... کلاس دو پنجره دارد که از کف اطاق دو متر بالاست.» ۲۲

د - شناخت خصوصیات روانی افراد (شخصیتها): روان شناسان و روانکاوان، برای مطالعه احوال و ویژگیهای روانی شخصیتهای تاریخی، سیاسی و هنری گذشته، از اسناد و مدارکی چون عکس، نوار سخنرانی، و نامه های خصوصی استفاده می کنند. از خلال این اسناد و مدارک، می کوشند که خود خواهی، کم روئی، اعتماد به نفس، ترس، عصبانیت، متانت و حتی بیماریهای جسمانی ۲۳ گذشتگان را بیابند.

بازن، ۲۵، که از سال ۱۱۵۴ تا ۱۱۶۰ هجری قمری طبیب نادر شاه و غالباً در سفر و حضر ناظر اعمال و رفتار او بود نامه هایی را به کشیش مافوق خود روژه ۲۶ می نویسد. این نامه ها به نکته هایی از حوادث تاریخی و خصوصیات اخلاقی و روانی نادر اشاره دارد که بایستی آنها را از منابع منحصر به فرد تاریخ زندگی نادر به شمار آورد: ۲۷

«... در همین سفر بود که یک کار ظالمانه عظیمی از او سر زد. چون در هنگام حمله یک گردنه، شخص پادشاه در معرض خطر خطیری واقع شده بود و تیر از هر طرف به سوی او می بارید. یکی از سرداران بدان سوی شتافت و برای حمایت او خود را کمی بالاتر از آن جانب که خطر بیشتر بود قرار داد. پس از مراجعت، نادر شاه او را احضار فرمود. سردار مزبور به امید پاداشی که در خور عمل و فداکاری او باشد شرفیاب حضور شد. شاه از او پرسید چرا خود را در پیش من جای دادی؟ آن مرد جواب داد: برای آنکه جان خود را فدا نمایم تا حیات شاهنشاه در مقام خطر نیفتد! نادر شاه خشمگین گردید و گفت: آیا تو مرا مرد جانی می پنداری؟ آن گاه فرمود که او را در حال خفه کنند. امر پادشاه اجرا شد. (...). رضا قلی میرزا پسر ارشد او در عروسی برادرزاده و برادران خود

۳۳- نامه های صمد بهرنکی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۷ صفحه ۲۶.

۳۴- گویا محققان با بررسی شیوه نگارش هیتلر، معتقدند که وی در سالهای آخر زندگی، از

درد و ناراحتی جسمانی رنج می برده است.

۳۵- Bazin ، کشیش فرانسوی و طبیب نادر شاه.

۳۶- Père Roger مسئول کلیسا.

۳۷- نامه های طبیب نادرشاه، نوشته پادری بازن فرانسوی، ترجمه دکتر علی اصغر حریری،

انتشارات شرق ۱۳۶۵ صفحه ۲۵ و ۲۶.

حاضر نبود. پدرش ظن می‌برد که او برای کشتن پادشاه و پدر خود قاتلی در کمین گذاشته. شاهزاده شخصاً آمده خودرا با آن اطمینان و اعتمادی که بی‌گناهی در انسان ایجاد می‌کند به دست او سپرده بود، ولی سوءظن در محکمه مستبدان حکم سند را دارد. پسر مکرر تهمت کشتن پدر را که به او نسبت می‌دادند انکار کرد، ولی عدم اعتماد حکم خود را صادر کرده بود و غضب آنرا اجرا کرد. چشمان فرزند بدبخت به فرمان پدر کنده شد.»^{۲۸}

بالاخره، بازن که در شب قتل نادر در نزدیکی چادر او بوده، در نامه خود به پدر روحانی روژه می‌نویسد:

«... طهماسبقلی خان هنوز رخت نبوشیده بود - نخست محمدقلی خان پیش دوید و يك ضربت شمشیر چنان به او حوالت کرد که شاه را سرنگون ساخت و از پای درانداخت، دو یا سه تن نیز از او سرمشق گرفتند. پادشاه بدبخت که در خون خود شناور بود، کوشید که برخیزد، ولی قوت به جای نبود، با التماس گفت: چرا مرا می‌کشید؟ حیات مرا به من باز گذارید. هر چه دارم از آن شما باشد!...»^{۲۹}

نامه‌های خصوصی مظفرالدین شاه به دکتر خلیل خان اعلم الدوله (از طبیبان دربار و محرم اسرار مظفرالدین شاه)، علاوه بر روشنگری درباره شخصیتها و سیر رویدادها، این دستخطها می‌تواند بر شناخت روحیه و خلیات پادشاه قاجار پرتو افکند:

«هو، خلیل خان، امروز بعد از رفتن شما اتابک آمد. خیلی خیلی حرف زده شد، لیکن آن مطلبی که به شما گفتم به او نگفتم. آخر، که می‌خواستم برخیزم به او گفتم... (دو کلمه خط خورده) يك فقره مطلبی بود گفته‌ام به شما می‌گوید. او هم فرستاده بود پی شما، شما رفته بودید. اگر امشب رفتی آنجا مطلب دست شما باشد. شهر صفر ۱۳۲۱، از سلامت خودت عرض بکن.»^{۳۰}

و در نامه‌ای دیگر:

«قصر دوشان تپه، ۱۳۲۳، محرم. هو، خلیل اعلم، زیارت شما قبول. با وزیر چه گفتید و چه شنیدید. تفصیل را عرض بکنید. کباب را حمید آورد، خیلی ممنون شدم.»^{۳۱}

سیر تحول نامه‌نگاری: اطلاع ما از نامه‌های خصوصی، در دوره‌های گذشته، محدود است به نامه‌هایی که به وسیله مورخان و شاعران و نویسندگان نقل شده و نامه‌هایی است که پادشاهان و امیران و وزیران، و به ندرت دانشمندان، به یکدیگر نوشته‌اند.

۳۸- هر چند که باید بیشتر آنها را گزارشات سیاسی درباره اوضاع ایران به شمار آورد تا نامه‌های خصوصی.

۳۹- همان، صفحه ۳۹.

۴۰- مجله آینده، سال نهم خرداد و تیر ۱۳۶۲ شماره ۳ و ۴ صفحه ۲۳۸، در این شماره مجله ۳۲ نامه، دستخط مظفرالدین شاه که به دکتر خلیل خان اعلم الدوله نوشته است، آمده.

۴۱- همان صفحه ۲۳۳.

نامه‌نویسی فارسی، مانند کتابهای تاریخی و ادبی، تا قرن ششم دارای اسلوبی ساده بود، عنصر المعالی در نصیحت به فرزندش می‌نویسد: «درنامه تازی سجع هنر است و سخت نیکو و خوش‌آید، لکن درنامه پارسی سجع ناخوش آید، اگر نگوئی بهتر بود.»^{۲۲}

از این قرن است که به تقلید و تحت تأثیر زبان و ادبیات عرب، لغات عربی و آوردن صفات و تشبیهات و به تدریج استعمال صنایع و تکلفات لفظی و سجع و موازنه و تمثیل و تشبیه و جمله‌های مترادف و مثل‌های عربی و فارسی و تلمیحات و استدلالات قرآنی و ذکر حدیث و خبر و... در شعر فارسی و نیز در نامه‌نویسی راه یافت^{۲۳} و در دوره‌های سلجوقی و صفویه به مرحله‌ای رسید که معنی و مضمون در پرده لفاظی و استعارات پوشیده ماند. به عنوان نمونه در نامه‌ای از پادشاه خوارزم به پادشاه عراق آمده:

«زندگانی مجلس سامی در استیلاء اعوان دولت و استعلاء ارکان حشمت و وفور امداد غبطت، و ظهور آثار سبطت، فراوان سال باد، صحیفه زندگانی بر قوم شادمانی مرقوم، و صفحه احوال به موسم اقبال موسم، و نهال دولت ناضر و نامی، و ایزد عزاسمه ناصر و حامی. چون استحکام مرایر وفاق، موجب اشتعال توایر اشواق باشد و تباعد انحاء دیار مقتضی تزیید امداد افتقار، به سفارت تشاهد قلوب و عبارت تناجی ضمائر، توان دانست که با چندین عهود محکم مبرم و چنین مسافت دور و دراز که جانبین را در میانست، کار آرزومندی به چه غایت رسیده باشد و حال نیازمندی به کدام نهایت انجامیده، فی‌الجمله کمال تشوق از تحدید تفوق می‌کند، و کثرت التیاع از انقیاد تعدید امتناع می‌نماید.»^{۲۴}

در دوره مغول، به نوشته عطا ملک جوینی، پادشاهان از عبارت پردازی و آرایش مناشیر و مراسلات و نامه‌های درباری به شیوه مترسلان ایرانی خوششان نمی‌آمد، و «ابواب تکلف و تنوق القاب بسته گردانیدند» و دبیرانی که رعایت ساده‌نویسی نمی‌کردند مجازات می‌شدند. یکی از دبیران خوارزمشاه که به خدمت چنگیز درآمده بود، به دستور خان، نامه‌ای به بدرالدین لؤلؤ والی موصل نوشت، منشی نامه را «به عبارت خوب و الفاظ مرغوب و تعریقی لایق پادشاهان نوشت، چنگیز خشمناک شده فرمود که دل تو با ما یاغی است چیزی نوشته‌ای که چون یاغی برخواند، نریاغیگری مجددتر شود. بعد از آن فرمود تا منشی آحمق را به یاسا رسانیدند.»^{۲۵}

در دوره صفویه توجه به عبارت پردازی و صنایع ادبی، در انشاء نامه‌ها به مرحله‌ای رسید که عده‌ای ادیب و دبیر چندین ماه به نوشتن یک نامه می‌پرداختند. امین احمد قمی مؤلف خلاصه التواریخ، در مقدمه نامه‌ای که شاه طهماسب صفوی به سلطان سلیم عثمانی

۲۲- قابوسنامه، باب آئین کاتب و شرط کاتبی.

۲۳- درباره شیوه‌های نویسندگی به سبک‌شناسی مراجعه شود.

۲۴- سبک‌شناسی، تصنیف محمد تقی بهار، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۵ جلد دوم صفحه ۳۸۵ به نقل از التوسل الی التوسل تألیف بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی.

۲۵- سبک‌شناسی، جلد سوم، صفحه ۱۶۸ به نقل از تاریخ الفی.

در تهنیت جلوس وی به تخت سلطنت و تعزیت فوت سلطان سلیم قانونی نوشته، یادآور می‌شود: «... مدت هشت ماه تمام، شاه خجسته فرجام اوقات صرف کنایت آن نموده، کنایت مذکور را موافق سلیقه خود به‌تمام رسانیدند و تمام تاجیکان و عمال و مهربان و فضلا و شعرا مسودات نظم و نثر را بمسمع اشرف انور می‌رسانیدند. هر چه از آن نوشته‌ها خوش می‌فرمودند، بیرون می‌نوشتند... و آن مکتوب صداقت اسلوب درباب تهنیت، درطول هفتاد ذرع بود.»^{۴۶}

گاه ممکن بود مضمون نامه‌ای را به‌چند دبیر و منشی بدهند تا نوشته و انشاء هر يك از آنان که بیشتر مورد پسند سلطان قرار گرفت، آنرا بفرستند. دو نامه از شاه سلطان حسین با يك مضمون و با دو انشاء متفاوت در دست است که در جواب نامه پاپ اینوسان^{۴۷} (پاپ بی‌گناه) نوشته شده و معلوم نیست که سلطان صفوی کدام يك از دو نامه را برای پاپ ارسال داشته.^{۴۸}

در نامه‌های خصوصی که تا اواخر دوره قاجاریه نیز در دست است ملاحظه می‌گردد که نامه‌نویسی فقط وسیله‌ای برای بیان مقصود و منظوری معین - یعنی دادن خبر یا درخواست خدمت یا چیزی - نبوده بلکه خود انگیزه‌ای برای نشان دادن فضل و دانش و هنر نویسندگی و خوش‌نویسی به‌شمار می‌رفت. توجه به اسلوب نامه‌ها، ذکر القاب و صفتهای مناسب، و رعایت حرمت و ادب به‌افتضای موقعیت اجتماعی افراد ایجاب می‌کرد که دانستن فنون دبیری و نامه‌نویسی، معیار و معک سواد و دانش باشد. کتابهای فراوانی چون، چهار مقاله نظامی سمرقندی، قابوسنامه، التوسل الی الترسل، عتبه‌الکتبه، دستورالکتاب فی تعیین‌المراتب، منشآت قائم مقام، منشآت نشاط، مخزن‌الانشاء و ... تا این اواخر، هنوز اعتبار خود را برای آموزش فن و هنر نامه‌نویسی از دست نداده بود. قدیم‌ترین کتابی که در این فن سراغ داریم رساله‌ایست از زمان ساسانیان به نام آئین نامه‌نگاری،^{۴۹} که شامل ۴۳ بند و در ذکر خصوصیات نامه، مضمون، شروع و پایان و رعایت سلسله مراتب (شاهان، بزرگان، اشراف، فاتحان و خویشاوندان) می‌باشد.^{۵۰}

کتابهای انشاء هر دوره، در عین حال، معرف سنن و آداب و رسوم متداول زمان خویش است، و حاوی نمونه‌هایی است که بتواند پاسخگوی نیازهای زندگی روزمره باشد. مثلا در کتاب انشاء دبستان، سال ۱۳۱۴ نمونه نامه‌هایی است که کاربرد آن در جامعه، برای دانش‌آموز محسوس و روشن بود:

۴۶- اسناد و نامه‌های تاریخی و اجتماعی دوره صفویه، تألیف دکتر ذ. ثابتیان. انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۳ صفحه ۱۴۱. مؤلف تمامی نامه را که ۷۵ صفحه است از خلاصه‌التواریخ نقل نموده.
47- Pape Innocent.

۴۸- اسناد و مکاتبات سیاسی ایران به‌اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۳ صفحه ۶۷ تا ۷۳.

۴۹- تلفظ پهلوی این رساله «آئینک نامک یکتبونی‌شپه (هزارش)» است.

۵۰- اسناد و نامه‌های تاریخی و اجتماعی دوره صفویه تألیف دکتر ثابتیان نشر ابن‌سینا ۱۳۴۳ صفحه ۲۶، به‌نقل از رساله پهلوی ترجمه به‌انگلیسی متعلق به دکتر صادق کیا.

نامه دایه به خانم:

تصدقت شوم، چنانکه خاطر محترم مستحضر است تاکنون علاوه بر شیردادن آقا زاده معظم به اندازه يك خدمتکار داخلی را نیز عهده دار بوده، معیناً دو ماه است شهریه کمیینه را مرحمت فرموده اند و حال آنکه از پریشانی جاریه کاملاً اطلاع دارند. استدعا آنکه امر فرمایند سیصد ریال حقوق گذشته را مرحمت نمایند تا رفع پریشانی شود.

پاسخ:

دایه خانم را مرقوم می‌دارد. نامه شما را قرائت، همیشه از خدمات شما ممنون بوده و هستم علت تأخیر موجب نبودن امنیه بود. برای رفع آلودگی بیست تومان به توسط پست فرستادم تا آسوده خاطر مشغول خدمات باشید. ۴۱ با همگانی شدن آموزش، نفوذ و تأثیر ادبیات اروپائی (ترجمه و اقتباس)، افزایش باسوادان رواج ساده نویسی، حذف رسمی القاب و عناوین، تأسیس و توسعه پستخانه، نامه نویسی نیز، مانند زمینه‌های دیگر ادبیات از قید تکلف و صنعت آزاد گردید.

گردآوری و انتشار نامه‌های خصوصی: دسترسی به نامه‌های خصوصی دیگران، طبعاً آسان نیست، و برای گردآوری و یا انتشار آنها دشواریهایی است، که می‌توان به عواملی چند مربوط دانست:

يك - مسائل سیاسی، سانسور، استفاده یا سوء استفاده از دستنوشته‌ها و عوامل مختلف دیگر، ویژگی راز و رمز گونه‌ای به نامه‌های خصوصی بخشیده و چه بسا، در نامه، از مخاطب درخواست می‌شد که پس از خواندن آنرا پاره کند یا به کسی نشان ندهد. نوشتن ابیاتی چون: ما اگر مکتوب ننویسیم عیب ما مکن، در بیان راز مشتاقان قلم نامحرم است، که بهانه‌ای عذرخواه در تأخیر نامه نویسی است، در عین حال، نشان دهنده واقعیتهایی نیز می‌باشد.

کاربرد کنایه و رمز و ابهام و ابهام در نامه‌ها، تنها برای ذوق آزمائی و استفاده از صنایع لفظی و معنوی نبوده، بلکه احتراز از بهره برداریهای مغرضانه، و آمادگی زمینه دفاعی، در قبال بازخواست کنندگان احتمالی، نیز در آن مستتر بوده است. در منشآت قائم مقام، که سالها راهنمای نامه نگاری به شمار می‌رفت، آمده: «... به اقتضای جبن و احتیاطی که بالذات دارم به کنایه و رمز معتقدم تا از سعایت و غمز محترز باشم.» و در نامه‌های دیگر، قائم مقام می‌نویسد: «مردی که اینجا بی‌پرده و حجاب حرف بزند، نادرتر از آن است که زنی در فرنگ بی‌چادر و نقاب راه برود.»

دو - اگر اصطلاح «محرمانه» را در مورد نامه‌های خصوصی به کار نبریم، دست کم، باید گفت نامه خصوصی - همانگونه که از نامش برمی‌آید - برای فرد معینی نوشته می‌شود و خواندن نامه دیگران، از نظر ادب اجتماعی، اخلاق، قانون، ناپسند و در مواردی جرم محسوب می‌شود.

پس، این سؤال پیش می‌آید که آیا گردآوری و انتشار نامه‌های خصوصی در کتاب و مجله و روزنامه نادرست نیست؟ و اخلاق و قانون اجازه می‌دهد؟ - البته نمی‌توان حکم کلی داد، بستگی به نویسنده، موضوع نامه و مقتضیات دارد. معمولاً نامه‌های خصوصی بعد از مرگ نویسنده و با رضایت خانواده او انتشار می‌یابد. و در صورتی که مدعی خصوصی نداشته باشد، پس از سی سال جنبه اختصاصی خود را از دست می‌دهد. بدیهی است، در صورتی که این انتشار به آبرو و موقعیت و شخصیت فردی و اجتماعی کسی لطمه نزنند. ۵۲

سه - نامه نگاری به خویشاوندان و دوستان و آشنایان، آن رواج و عمومیتی را، که مثلاً در اروپا شاهد آن هستیم، ۵۳ ندارد. هر چند آمار دقیقی از نامه‌های خصوصی در دست نیست، ولی به نظر نمی‌رسد که نامه نویسی به نسبت ازدیاد باسوادان بیشتر شده باشد، با بررسی که در این زمینه از ۶۸ نفر دانشجوی شهرستانی به عمل آمد، از مهر ماه ۱۳۶۶ تا خرداد ماه ۱۳۶۷ تنها چهار نفر از آنها (۵/۸ درصد) نامه نوشته بودند، آن هم به پدر و مادرشان. و غالب آنان یادآور شده بودند که با تلقین از احوال خانواده باخبر می‌شویم، و یا تلگرافی تقاضای پول کرده‌ایم. تعداد نامه‌هایی که دانشجویان از پدر و مادرشان دریافت کرده بودند حدود سی درصد بود. بعضی از دانشجویان ۶ نامه دریافت کرده و اصلاً جواب نداده بودند. ۵۵

چهار - گردآوری نامه‌های خصوصی کار آسانی نیست، خانواده‌هایی که نامه‌ها و وسائل خصوصی بزرگان فامیل را گردآوری و نگهداری کنند انگشت شمارند. از طرفی غالب نامه‌های خصوصی نسخه منحصری است و رونوشت یا اثری از آن نزد نویسنده باقی نمانده، به عبارت دیگر مواظبت و سلیقه گیرندگان و مخاطبان نامه‌هاست که باعث

۵۲- حتی نیش قبر نیز بعد از سی سال مجاز است.

۵۳- در هر حال مواردی که انتشارنامه، عکس، شعر و قول افراد باعث دلتنگی و دشمنی و شکایت گردیده است، کم نیست.

۵۴- در کشورهای اروپائی نامه نویسی و خاطره نویسی بخشی از گذران اوقات فراغت است، به ویژه در مسافرت‌ها، البته سیستم سریع نامه رسانی و حرمت نگهداشتن برای نامه‌ها نیز عاملی مؤثر است. این گونه اسناد، در پژوهش‌های اجتماعی، و تاریخی و شناخت شخصیتها فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵۵- دانشجویی چند نامه را که از پدرش دریافت داشته بود، در اختیار من گذاشت. یکی از نامه‌ها، که شش صفحه بود، حاوی پند و اندرز، تشویق به درس، ترساندن از تهران و تهرانی‌ها و توجه دادن به معاشرت‌ها بود. و از او خواسته بود که هفته‌ای یک نامه برایش بنویسد و آن دانشجوی حتی یک نامه به پدرش نوشته بود.

ازین نرفتن آنها می‌شود. و مجموعه‌های نامه‌های شخصیت‌ها، که در سالهای اخیر انتشار یافته، مدیون دریافت کنندگان نامه‌هاست. ۵۶

یکی از قدیم‌ترین مجموعه نامه‌ها که در دست داریم فرآید غیائی است و در اوائل قرن نهم نوشته شده. این کتاب از جلال‌الدین یوسف بن شمس‌الدین محمد مشهور به یوسف اهل که شامل نامه‌های پادشاهان و وزیران و قاضیان و صوفیان و... در ده باب ۵۸ است و به قول نویسنده: «... هیچ تحفه‌ای شایسته‌تر و هیچ هدیه‌ای بایسته‌تر از آن ندید که رساله‌های چند از ابتکار افکار افضل با فضایل دهر و امثال بی‌ممثل عصر و شهسواران میدان فصاحت و شهریاران ایوان بلاغت در سلك اثبات با اشعار و ابیات منخرط گرداند و آن را...». یوسف اهل حدود ۵۰۰ نامه از ۱۸۸ نفر گرد آورده که اگر با دقت مورد مطالعه قرار گیرد، می‌تواند تصویری گویا از پدیده‌ها و رویدادهای تاریخی و اجتماعی قرن هشتم را، به‌ویژه در خراسان و هرات، عرضه دارد.

در سالهای اخیر به‌گردآوری و انتشار نامه‌های عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی و هنری و ادبی، همت گماشته‌اند، که باید از: نامه‌های کمال‌الملک، نامه‌های صادق هدایت، نامه‌های دکتر مصدق، نامه‌های سیاسی دهخدا، نامه‌های نیما یوشیج به‌همسرش، نامه‌های صمد بهرنگی، و نامه‌های پراکنده‌ای از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و ادبی که در مجله آینده و راهنمای کتاب منتشر شده، نام برد. ۵۹

امید است اعتبار اجتماعی و فرهنگی و تربیتی اینگونه سندها و نامه‌ها، که در حد خود، هر ورقش دفتری است، مورد توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان به فرهنگ و تمدن و تاریخ این سرزمین قرار گیرد. بی‌گمان، نوشتن تاریخ‌های محلی و روشنگری پدیده‌ها و رویدادهائی که در گوشه و کنار کشور اتفاق افتاده، بدون توجه به نامه‌ها، قراردادهای، قباله‌ها، و خاطره‌های پراکنده‌ای، که در دورافتاده‌ترین شهر و روستا نیز یافت می‌شود، مقدور نیست.

۵۶- در مقدمه «نامه‌های کمال‌الملک» که بیشترین آنها به‌دکتر غنی نوشته شده، آمده است: «دکتر غنی با دقت بسیار این نامه‌ها را به‌ترتیب تاریخ دریافت آن در صفحات آلبومی چسبانده و در کنار هرنامه پاکت آنرا نیز قرار داده بود.» به‌نقل از جلد پنجم یادداشت‌های دکتر غنی با عنوان «نامه‌های کمال‌الملک و محمد قزوینی به‌دکتر قاسم غنی» زیر نظر سیروس غنی با مقدمه هاله اسفندیاری چاپ لندن.

۵۷- فرآید غیائی تألیف جلال‌الدین یوسف اهل، به‌کوشش دکتر حشمت مؤید، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران جلد اول ۱۳۵۶ و جلد دوم ۱۳۵۸.

۵۸- باب اول، نامه‌های سلاطین و امرا - باب دوم نامه‌های صواحب و وزراء - باب سوم نامه‌های سادات و نقباء - چهارم: قضات و ولات - پنجم، موالی و اهالی - ششم: مشایخ - هفتم: مناشیر و امثال - هشتم: فتح قلاع و بقاع - نهم: مصائب و واقعات - دهم نامه‌های متفرقه. تاکنون پنج باب آن بوسیله بنیاد فرهنگ ایران منتشر شده (جلد اول شامل باب اول و جلد دوم شامل باب دوم تا پنجم). امید است که ابواب دیگر نیز منتشر شود.

۵۹- تا آنجا که اطلاع داریم نامه‌های شخصیت‌های دیگری نیز در دست جمع‌آوری است.